



28 اکتوبر 2014



داکتر سيد عبدالله کاظم

حامد کرزی و تلاش برای تشکیل "اپوزسیون"

در صفحه فیسبوک مقاله دلچسپ و در عین زمان حاوی نکات مهم را در ارتباط به تشکیل "اپوزسیون" خواندم که به قلم آقای "عبانافع همت" تحت عنوان "اپوزسیون سیاسی ضد اشرف غنی" نوشته شده و بتاريخ اول عقرب 1393 در نشریه "گزارشنامه افغانستان" به نشر رسیده و توسط یک هموطن گرامی متن مکمل آن در فیسبوک گذاشته شده است. در این نوشته مطالبی وجود دارد که نظر به اهمیت آن لازم است قسمت های آنرا اقتباس و تقدیم خوانندگان عزیز این پورتال کنم. نویسنده مقاله کوشیده است توجه دولتمردان کنونی را که فعلاً سخت مصروف مذاکره در باره چگونگی تشکیل حکومت "وحدت ملی" میباشند، به نیرنگ های رئیس جمهور سابق آقای حامد کرزی جلب نماید و به همه حالی سازد که چه بازی های خطیر در زیر پرده در جریان است.

مقاله در آغاز شرحی دارد پیرامون دیدار حامد کرزی با استاد سیاف در منزلش که در همین اواخر گویا شبی بدون سرو صدا به پغمان میروید و در خلوت با استاد سیاف در باره جریانات روز و موضوع تشکیل "اپوزسیون" صحبت میکند. در این دیدار به قول نویسنده مقاله، کرزی به سیاف می گوید:

«شما گفته بودید که "بعضی حلقات میخواهند که مجاهدین را به حاشیه برانند". حالا دقیقاً چنین میشود؛ داکتر غنی به فکر اصلاحات نیست، اصلاحات فقط بهانه ای برای سر به نیست کردن مجاهدین است. روز مراسم تحلیف هرگز یادم نمیرود که شما در پشت سر جنرال دوستم در قطار سوم نشسته بودید و هیچ کسی حتی نامی از شما نبرد. من توهین به مجاهدین را نمی توانم تحمل کنم. خیر است نگران نباشید، این وضعیت به سود ما است. اگر به بهانه مبارزه با فساد اداری مجاهدین را از صفوف دولت کنار بزنند، همه به شما پناه خواهند آورد، زیرا در صفوف مجاهدین از شما مقتدرتر کسی وجود ندارد. داکتر عبدالله تنها و با چند فرد معدود از اطرافیانش وارد سیستم دولت شد و خدا میداند که با اشرف غنی بسازد. حالا وقت این است که شما اعلان اپوزسیون کنید و من و دوستانم در خدمت شما هستیم.»

مقاله می افزاید که: «گفته میشود که بر علاوه حامد کرزی، رئیس پیشین امنیت ملی اسد الله خالد، عبدالکریم خرم، زلمی هیواد مل، رنگین دادفر سپنتا، یونس قانونی، صادق مدبر و شماری از مسئولان بلند پایه دولت سابق نیز با استاد سیاف همگام هستند. حامد کرزی در این اواخر همچنان با پیر سید احمد گیلانی هم دیدار نموده، اما چیزی دستگیرش نشده است.»

نویسنده مقاله پیشبینی میکند که رئیس جمهور سابق قرار است به زودی به هرات سفر کند و با محمد اسماعیل خان نیز دیدار کند و در ارتباط می نویسد: «اسماعیل خان کسی است که نه در انتخابات موفق شد، نه هم در رهبری جمعیت رسید و نه هم در حکومت وحدت ملی جایگاهی نصیبش شد و امکان این دارد که با درخواست استاد سیاف به اپوزسیون بپیوندد. آقای کرزی بعد از سفر به ولایت هرات، رهسپار بلخ خواهند شد و با دوست و رفیق قدیمی اش عطا محمد نور صحبت خواهد کرد. آقای نور که سیزده سال به برکت حامد کرزی پادشاه بی تاج بود، ملیون ها دالر را به کیسه زده است. او نه تنها در حساب و کتاب اشرف غنی جای ندارد، بلکه از آینده سیاسی خویش نیز مطمئن نیست و آنرا در خطر می بیند. از سوی دیگر معاون اول ریاست جمهوری جنرال عبدالرسید دوستم را تهدید دیگر می پندارد. با تمامی این خطر ها، آقای نور هنوز هم خواب ریاست جمهوری آینده افغانستان را در سر دارد. ایشان حتی تحمل دیدن رفیق وفادار خویش داکتر عبدالله عبدالله را در ریاست اجرائیه کشور ندارد، دوستی سر جایش. او عبدالله عبدالله را رقیب آینده سیاسی خویش می پندارد و بخاطر آینده حتی روی حزب جمعیت نیز ممکن حساب باز کند.»

مقاله در ادامه می افزاید: «رئیس جمهور سابق کشور آقای حامد کرزی مسئولیت داشت که عطا محمد نور را به عنوان والی ولایت بلخ مجبور به احترام گذاری به قانون اساسی افغانستان نماید تا هم از دولت مرکزی اطاعت نموده و هم از حمایت علنی از یک نامزد خاص خودداری کند؛ رئیس جمهور وقت کشور نه تنها به این امر مهم توجه نکرد، بلکه حتی تاکنون ما شاهد یک گلایه هم نبوده ایم. حالا چنین به نظر میرسد که جناب حامد کرزی در پشت پرده به وسیله محمد یونس قانونی معاون اول وقت رئیس جمهوری افغانستان با عطا محمد نور دست در یک کیسه نموده بودند و تلاش می نمودند که عطا محمد نور موقف سخت خویش را در قبال غنی محکم تر کند. **اگر امروز آقای کرزی از عطا محمد نور بخواهد که از او حمایت کند، با دل و جان خواهد پذیرفت؛ بخاطر اینکه عطا محمد نور به دنبال حرفهای گذشته و رفاقت با عبدالله عبدالله نمیگردد و برای خودش نقشه های در دست اجرا دارد.** آقای نور در حلقه های خاص دوستان و بخصوص تاجیکها گفته است که دیگر این شانسان را برای پنجشیری ها نمیدهد که رهبری جمعیت را بعهدہ گرفته و بنام تاجیکها امتیاز گیری کند و امتیاز فقط و فقط به یک ولسوالی خاص اختصاص یابد. او گفته است در قدم نخست رهبری حزب جمعیت اسلامی را در دست خواهد گرفت و سپس برای دور دیگر در انتخابات ریاست جمهوری افغانستان خود را نامزد خواهد کرد.»

در این ارتباط نویسنده مقاله تصریح میکند که: «تکان های این زلزله را داکتر عبدالله عبدالله نیز احساس کرده و نمیخواهد که بخاطر عطا محمد نور با اشرف غنی احمدزی در گیر شود و با دست خودش حزب جمعیت و رهبری آنرا به حریف جدیدش واگذار نماید، اما **عطا محمد نور برای بدست آوردن رهبری جمعیت اسلامی تلاش های خود را آغاز کرده است.**»

به نظر نویسنده مقاله: «**برای رسیدن به هدف رهبری حزب جمعیت اسلامی چهار گروه تلاش میکنند:** ریاست گروه نخست برعهده داکتر عبدالله عبدالله است که از لحاظ داشتن چوکی های بلند پایه حکومتی قویترین می باشد. گروه دوم به ریاست احمد ضیا مسعود فعالیت میکند که خودش را به دلیل اینکه برادر احمد شاه مسعود و داماد استاد برهان الدین ربانی است، بهتر از دیگران میدانند. او معاون سابق رئیس جمهور و یک پنجشیری اصیل است و بارها به رسانه ها گفته است که عبدالله عبدالله نامزد حزب جمعیت اسلامی نیست، بلکه به وسیله یک کودتا خود را از طریق این حزب نامزد کرده است. او تلاش میکند که کنگره حزب را فرا خواند تا رهبری جدید حزب جمعیت اسلامی انتخاب گردد. گروه سوم به ریاست صلاح الدین ربانی فرزند استاد برهان الدین ربانی فعالیت میکند. این یک گروه کوچک حزب جمعیت اسلامی رهبری این حزب را میراثی میداند و می گویند که باید صلاح الدین ربانی رهبر جمعیت اسلامی شود. گروه چهارم به ریاست محمد اسماعیل خان فعالیت میکند که خود را شایسته ترین فرد برای رهبری حزب جمعیت اسلامی تصور میکند. این گروه از تاجیک های ولایت هرات تشکیل شده است. اسماعیل خان ادعا میکند که در حزب جمعیت اسلامی او وفا دارترین، متقی ترین و مجاهد ترین شخصی است که حتی به ریش و چلنار قدیمی جمعیتی خویش نیز تغییری نیاورده است. آقای اسماعیل خان این گلایه را نیز دارد که چرا بعد از مرگ احمد شاه مسعود او را به عنوان رهبر جمعیت اسلامی انتخاب نکردند. او میگوید که در آن زمان در احترام به استاد برهان الدین ربانی، ریاست مارشال فهیم را قبول کرد و حالا که هردوی این افراد درگذشته اند، هیچ فردی را لایق تر و سزاوارتر از خود نمی بیند که رهبری حزب جمعیت اسلامی را برعهده بگیرد.»

نویسنده مقاله اذعان میدارد که: «**داکتر اشرف غنی احمدزی بعد از تشکیل کابینه جدید، توجه خویش را به سوی والی ها و قوماندان های امنیه معطوف خواهد کرد.** شماری از قوماندان های امنیه ولایت های مختلف کشور متهم به داشتن زندانهای شخصی، گروه های قاچاقبر و متهم به عضو زمین های دولتی و ملکی میباشند. داکتر غنی گفته است که اداره های موازی را از بین خواهد برد. با شنیدن این سخن تمامی توجه مردم معطوف به عطا محمد نور والی بلخ گردیده و آقای نور همیشه حکومت مرکزی را تهدید کرده و با اشرف غنی احمدزی رابطه بسیار سردی دارد.»

در ادامه مقاله آمده است که: «**در بین والی های افغانستان گل آقا شیرزی نیز خودش را کمتر از عطا محمد نور نمی داند.** او هم برای خودش دم و دستگاه و حساب و منطقی دارد. با داشتن مشری قوم بارکزی ها و داشتن بوجی بوجی دالر، برای خودش آدمی کلان هست. او این باور را نیز دارد که حکومت داری در افغانستان به نوبت است و یک بار پوپلزی و بار دیگر باید بارکزی ها حکومت کنند. او حالا براین باور است که دوره پوپلزانی ها به پایان رسیده و حالا

نوبت بارکزائی ها است. او خودش را در نقش وزیر فتح خان می بیند و فکر میکند که اساس حکومت جدید بارکزی ها را خواهد گذاشت.»

مقاله می افزاید: «مبارزه با فساد از کارهای اساسی داکتر اشرف غنی احمدزی پنداشته میشود که با بررسی دوسیه کابل بانک و راجع سازی دوباره دوسیه های وزیران مفسد به ستره محکمه شروع شده و ثبوتی بر آنست. در جریان این مبارزه، هواداران اشخاص فاسد شعار خواهند داد که اینها مجاهد اند و به اتهام مجاهد بودن توسط اشرف غنی احمدزی از حکومت کنار گذاشته میشوند که این گفته را استاد سیاف نیز تأیید خواهد کرد.»

نویسنده مقاله به این نظر است که: «تا کنون سه جبهه علیه اشرف غنی احمدزی باز شده است:

- 1 - مفسدین اداری و غاصبین زمین،
- 2 - مجاهدین سابق که به دلیل نداشتن تخصص و سواد از دولت کنار گذاشته خواهند شد،
- 3 - قسمتی از جمعیت که با گروه عبدالله عبدالله اختلاف دارد و یا در نظام حقی به آنها نرسیده است.»

با این حال نویسنده مقاله می افزاید: «آقای کرزی که طعم قدرت به کامش نشست است، نمیخواهد که آرام بگیرد. او در لحظات واپسین، ماشین حکومتی را چنان از کار انداخت که دوباره روشن کردن آن برای اشرف غنی نیز سنگینی می کند، اما تا زمانی که اشرف غنی این ماشین کهنه غیرفعال را دوباره تعمیر کند، کرزی جبهه تازه خویش را خواهد ساخت. از آخرین جلسه ها و ملاقات های جناب آقای کرزی چنین بر می آید که در تلاش این است که رهبری اپوزسیون حکومت جدید را برعهده بگیرد اما به دلیل اینکه خودش حزب و یا یک تشکیل سیاسی ندارد، در قدم نخست میخواهد که یک گروهی از یاران قدیمی را تشکیل داده تا مؤثر پنداشته شده و رهبری اپوزسیون افغانستان را بدست آورد.»

نویسنده مقاله علاوه میکند که: «زمانی که امریکا رژیم طالبان را سقوط داد، "آی اس آی" قوماندنهای مشهور و بزرگ طالبان را به پیمانۀ زیادی بازداشت نمود، شماری را تحویل امریکا داد و تعدادی را نیز در زندانهای خویش نگهداری کرد و آنها را به اندازه ای شکنجه نمود که یا معیوب شدند و یا اینکه در زیر شکنجه جان باختند. بخاطر آزاد سازی ملا عبدالله و استاد یاسیر، آقای حامد کرزی از دولت پاکستان حتی یک گلابۀ کوچکی هم نکرد، اما بخاطر آزاد سازی ملا برادر گام های بلندی برداشت و تلاش های گسترده ای کرد، زیرا ملا برادر پوپلزائی بود.»

در بارۀ تشکیل اپوزسیون نویسنده مقاله می افزاید: «آقای کرزی یک بار دیگر از این ذهنیت قبیلوی خویش استفاده خواهد کرد و به این شکل خواهد توانست که بر علاوه سه جبهه قبلی اپوزسیون، یک جبهه دیگر نیز تشکیل خواهد کرد. این جبهه مربوط به درانی های خواهد بود که مرکز آن شهر قندهار در نظر گرفته شده است. برای تشکیل این جبهه، آقای کرزی این روز ها با مردم مختلف ولایت قندهار دیدار میکند. او می خواهد به این طریق تحقیقی انجام دهد که درانی ها و بخصوص مردم قندهار در مورد حکومت جدید چه نظری دارند. او بخصوص با اشخاص و بزرگانی ملاقات میکند که متهم به فساد اداری اند و خود را در نظام جدید کنونی مصنون نمی دانند. آن مسئولان سابق ولایت قندهار که متهم به اختلاس ملیون ها دالر، غصب زمین های دولتی و مردمی و زورگویی به مردم بودند، بسیار هراسان می باشند. آقای کرزی خیلی زود موفق خواهد شد که با زبان سحر انگیز خویش مفسدانی را که با او سابقۀ دوستی دارند، با خود همگام سازد.»

نویسنده مقاله خاطر نشان می سازد که: «آقای کرزی بخاطری قرارداد امنیتی با ایالات متحده امریکا را امضا نکرد که خود را به مردم یک وطن دوست، مدافع منافع ملی و مدافع مردم افغانستان نشان دهد. او با این کار خویش توانست که قهر و غضب مردم بی سواد قریه های افغانستان را کنترل نموده و آنها را یک بار دیگر به خود جذب نماید. درحالیکه طالبان بخاطر امضای قرارداد امنیتی بر سر اشرف غنی احمدزی بسیار قهر می باشند، اما از حامد کرزی بخاطر روش نرم و آزاد سازی شمار زیادی از طالبان خشنود اند. روی همین اساس تصور میشود که طالبان برای ساختن جبهه ای علیه اشرف غنی احمدزی نه تنها در مقابل کرزی مانع تراشی نخواهند کرد، بلکه سهولت هایی را نیز برایش فراهم خواهند ساخت.»

د پاپو شمیره: له 3 تر 4

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de
پادونه: دلپکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکي په خير و لولۍ

نویسند مقاله به این نظر است: «اگر تمامی گروه های داخل اپوزسیون احتمالی تعلق خاطری با طالبان نداشته باشند، اما کم کم گروهی با مرکزیت کرزی به طالبان نزدیکی خواهد داشت. این اپوزسیون جدید از سوی چهار رهبر مدیریت خواهد شد: حامد کرزی، استاد سیاف، عطا محمد نور و محمد اسماعیل خان. در این اپوزسیون اسماعیل خان و استاد سیاف همیشه خواهند گفت که رئیس جمهور جدید مجاهدین را از دولت بیرون می اندازد. این قسمت در راستای زنده نگهداشتن مجاهدین کار خواهد کرد. استاد عطا محمد نور که حتی با نام افغان مخالفت میکند، گروه متعصب اقوام تاجیک، مثل پدرام را در گروه خویش جمع خواهد کرد. عطا محمد نور فکر میکند که حالا دیگر شعارهای جهادی کهنه شده و یا اینکه استاد سیاف و اسماعیل خان در این بخش از او جلوتر هستند، او به سیاست شورای نظار برخواهد گشت و سیاست قومی را پیشه خواهد نمود. شعار عطا محمد نور این خواهد بود که در نظام کنونی سهمیه تاجیکان کم است.»

به نظر نویسنده مقاله: «در این اپوزسیون شعار کرزی از همه کهنه تر، غیر مدنی تر و کوچک تر خواهد بود. آقای کرزی که تا دیروز هزار رنگ لباس می پوشید و خود را یک شخصیت ملی ترسیم میکرد، حالا شعار قبيله ای خواهد داشت و خواهد گفت که در این نظام سهمیه درانی ها کم است. اما آقای کرزی غم درانی ها و قندهاری ها را ندارد، بکلی درانی ها از او نفرت دارند زیرا که آنها میدانند که کرزی بر تابوت فعالیت های سیاسی آنها میخ کوبیده است. قندهار که در جریان سه قرن مرکز حاکمیت پشتون ها بود، با کارکرد بد کرزی از بین رفت و جایگاهش را از دست داد. کرزی نه به فکر درانی ها، و نه قندهاری ها و نه در مجموع افغانستان است و نه هم علاقه و تعلق خاطر با دیگر گروه های سیاسی اپوزسیون دارد؛ کرزی فقط در تلاش ساخت جبهه خود می باشد. **آقای کرزی میخواهد ضرب شصت خویش را به اشرف غنی نشان دهد و برایش تفهیم کند که اگر به طرف من، دوستانم و خانواده ام به دیده بد نگاه کند، با استاد سیاف، اسماعیل خان و عطا محمد نور طرف خواهد شد و دست یاری به سوی این سه گروه دراز خواهد کرد. کرزی به اشرف غنی این پیام را نیز خواهد رسانید که با داشتن حمایت درانی ها، آنها را علیه تو منسجم خواهم ساخت و خوب خواهد بود که با ما حساب و کتاب نکنی. این قضیه حساب و کتاب، بخصوص در مورد قضیه کابل بانک، عینو مینه، سمنت غوری و ترور مرموز احمد ولی خان و حشمت خلیل خان کرزی صدق می کند و از دالر های ایرانی که بگذریم.»**

(پایان مقاله)

د پانیو شمیره: له 4 تر 4

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلپکنی د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په څیر و لولئ